تله پولانی؛ شکست نظم جهانی پس از اجماع‌ها

محسن راجی اسدآبادی
پژوهشگر اقتصاد بخش عمومی و مدرس دانشگاه

جهان تا پیش از بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، در مسیر تثبیت نظمی گام برمی‌داشت که سه پارادایم بزرگ در پی صورت‌بندی آن بودند: «اجماع لندن» با تأکید بر رفاه انسانی فراتر از تولید ناخالص داخلی، تاب‌آوری نهادی و مشروعیت سیاسی؛ «رویکرد شانگهای» با الگوی ترکیب دولت توانمند و بازار و تأکید بر خوداتکایی استراتژیک؛ و «روح داووس» که مجمع جهانی اقتصاد آن را نمایندگی می‌کرد و بستری برای حکمرانی جهانی مبتنی بر تعامل و گفت‌وگو بود. من در مقالات پیشین خود، نخست در «پس از اجماع‌ها» و سپس در «بازخوانی اجماع لندن و رویکرد شانگهای»، استدلال کردم که جهان پس از شکست اجماع واشنگتن به سوی این قطب‌های نظری حرکت کرده بود؛ مسیرهایی که وعده جهانی مبتنی بر اعتماد، شفافیت، همکاری و پیش‌بینی‌پذیری را می‌دادند. اما دونالد ترامپ در قامت یک «کارآفرین هنجارشکن» در عرصه اقتصاد سیاسی، تمام این مسیرها را یک‌تنه نابود کرده و هزینه‌ای بی‌سابقه بر پیکره اقتصاد جهان تحمیل کرده است. با این حال، آنچه ترامپ به‌عنوان «پیروزی» و «بازتنظیم نظم» در سر می‌پروراند، در عمل به «تله‌ای پولانی» بدل شده است؛ دامی خودساخته که در آن، تلاش برای تخریب نهادهای چندجانبه و جایگزینی اعتماد با ترس، نه‌تنها جهان را به واکنشی دفاعی واداشته، بلکه خود آمریکا و شخص ترامپ را نیز در انزوایی بی‌سابقه گرفتار کرده است.

برای درک دقیق این مفهوم، ضروری است نگاهی گذرا به آرای کارل پولانی، تاریخ‌دان اقتصادی مجارستانی و کتاب برجسته او «دگرگونی بزرگ» بیندازیم. پولانی در این کتاب مفهوم «جنبش دوگانه» را مطرح کرد: از یک سو، «بازار خودتنظیم‌گر» قرار دارد که به دنبال گسترش بی‌قیدوشرط منطق بازار به تمام عرصه‌های زندگی، ازجمله کار، زمین و پول است و از سوی دیگر، «جنبش متقابل حمایتی» جامعه که برای محافظت از خود در برابر اثرات مخرب این بازار لجام‌گسیخته، از طریق وضع قوانین و مداخلات اجتماعی به پا می‌خیزد. به باور پولانی، تداوم این کشمکش و ناتوانی در مهار بازار می‌تواند به فروپاشی اجتماعی منجر شود. «تله» اما از «لحظه» قدرتمندتر است؛ «لحظه پولانی» صرفا یک نقطه عطف تاریخی را نشان می‌دهد، در حالی که «تله پولانی» فرایندی فرسایشی و خودتخریب‌گر را توصیف می‌کند که در آن، کنشگر اصلی (در اینجا ترامپ) با تصمیم‌های هیجانی و مبتنی بر «زیان‌گریزی» یا «چارچوب‌بندی» گمراه‌کننده، خود را وارد مسیری می‌کند که هزینه بازگشت از آن به‌شدت بالا می‌رود و نهایتا خود او نیز در دامی که ساخته گرفتار می‌آید. در مورد ترامپ، تلاش برای تحمیل «اقتصاد سیاسی ترس» و تخریب اعتماد، نه‌تنها جهان را به سوی «خوداتکایی استراتژیک» (رویکرد شانگهای) و «تاب‌آوری نهادی» (اجماع لندن) سوق داده، بلکه آمریکا را نیز در انزوایی بی‌سابقه فرو برده است. این «تله» دیگر صرفا یک «لحظه» بحرانی نیست، بلکه فرایندی است که نظم جدید تحمیلی را از درون می‌پوساند.

کارنامه ماجراجویانه ترامپ در دولت جدیدش چنان پرحجم است که مرور فشرده آن نیز عمق گسست ایجادشده و ابعاد این تله خودساخته را آشکار می‌کند. او در نوامبر ۲۰۲۵ رسما از احمد الشرع، فرمانده سابق القاعده که همچنان تحت تعقیب قضائی آمریکا قرار داشت، در کاخ سفید استقبال کرد و عملا مرز میان تروریسم و دولت‌مداری را محو کرد. این اقدام که با هدف نمایش قدرت مطلق برای تغییر یک‌شبه واقعیت‌های میدانی انجام شد، در واقع سیگنالی به متحدان سنتی آمریکا بود که دیگر هیچ قاعده و چارچوب اخلاقی-حقوقی در نظم جدید موضوعیت ندارد. اما همین سیگنال، ترس و بی‌اعتمادی را در میان شرکای اروپایی و منطقه‌ای آمریکا چنان تشدید کرد که آنها را به سمت متنوع‌سازی گزینه‌های استراتژیک خود و فاصله‌گرفتن از واشنگتن سوق داد؛ این اولین نشانه از کارکرد تله بود. در آگوست همان سال، دولت او جایزه تعیین‌شده برای بازداشت نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور قانونی ونزوئلا را به ۵۰ میلیون دلار افزایش داد؛ رقمی فراتر از جایزه تعیین‌شده برای اسامه بن‌لادن پس از حملات ۱۱ سپتامبر. این پیام شوم که حاکمیت ملی کشورها می‌تواند با یک چک دلاری معامله شود، عملا تمام دولت‌های جهان را در وضعیت «زیان‌گریزی» نهادی فرو برد و آنها را به سوی «جنبش حمایتی» پولانی، یعنی محافظت از خود در برابر نیروهای مخرب بازار و سیاست، روانه کرد.

هم‌زمان، ترامپ جنگ تجاری تمام‌عیاری را علیه متحدان و رقبا به راه انداخت و با افزایش متوسط تعرفه‌ها از ۲.۳ درصد به ۱۳.۳ درصد (بالاترین نرخ از ۱۹۳۹) و تهدید تعرفه ۵۰درصدی علیه اتحادیه اروپا، زنجیره تأمین جهانی را از هم گسست. او در نشست ناتو در لاهه در ژوئن ۲۰۲۵، کشورهای عضو را وادار به پذیرش هدف پنج‌درصدی برای هزینه‌های دفاعی تا سال ۲۰۳۵ کرد؛ هدفی که نخست‌وزیر اسپانیا، پدرو سانچز، آن را «ناسازگار با رفاه اجتماعی» خواند و اجرای آن مستلزم سه‌برابرکردن بودجه نظامی اتحادیه اروپا، از ۳۲۵ میلیارد یورو به بیش از ۹۰۰ میلیارد یورو بود. ترامپ همچنین با امضای فرمان اجرائی در ژانویه ۲۰۲۶، کوبا را در وضعیت اضطراری ملی قرار داد و با تهدید هر کشوری که به این جزیره نفت بفروشد، عملا مردم این کشور را به گرسنگی و خاموشی کشاند. این مجموعه اقدامات، همگی از منطق واحدی پیروی می‌کنند: تخریب عامدانه «اعتماد» و جایگزینی آن با «اقتصاد سیاسی ترس» به امید تحمیل یک‌جانبه خواسته‌ها. اما اینجا نقطه تولد «تله پولانی» است: همان‌طور که پولانی توضیح داد، تلاش برای تحمیل بازار خودتنظیم‌گر و تخریب نهادهای اجتماعی، به یک «جنبش متقابل حمایتی» از سوی جامعه برای محافظت از خود می‌انجامد. در دنیای ترامپ، این جنبش متقابل به شکل شتاب‌گیری رویکردهای جایگزین (اجماع لندن و رویکرد شانگهای)، دلارزدایی، بلوک‌بندی‌های منطقه‌ای جدید و نافرمانی متحدان در برابر واشنگتن رخ نموده است. ترامپ اکنون در تله‌ای افتاده که خود ساخته است؛ نظم معامله‌محور و ترس‌بنیان او، به دلیل بی‌اعتمادی مطلقی که آفریده، از کار می‌افتد و آمریکا را منزوی‌تر از هر زمان دیگری می‌کند.

اوج این ماجراجویی خودتخریب‌گر، جنگ تمام‌عیاری است که ترامپ از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ (۹ اسفند ۱۴۰۴) علیه ایران به راه انداخت؛ جنگی که بر پایه ادعایی نادرست بنا شد. رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در چهارم مارس ۲۰۲۶ صریحا اعلام کرد «هیچ مدرکی دال بر اینکه ایران در حال ساخت بمب هسته‌ای باشد، وجود ندارد» و آژانس «هیچ نشانه‌ای از یک برنامه سیستماتیک برای ساخت سلاح هسته‌ای» در ایران نیافته است. هم‌زمان، گزارش‌های اطلاعاتی آمریکا نیز ادعاهای ترامپ درباره تهدید قریب‌الوقوع موشکی ایران را «اغراق‌آمیز» خواندند. این جنگ که با اسم رمز «اپریشن اپیک فیوری» کلید خورد، هیچ تهدید هسته‌ای را از میان برنداشت، زیرا اصولا چنین تهدیدی وجود نداشت، بلکه به ویرانی گسترده زیرساخت‌های غیرنظامی، تلفات انسانی و شوکی اقتصادی انجامید که دامنه آن از تهران تا واشنگتن را دربر گرفته است. بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) در آوریل ۲۰۲۶ کل خسارت واردشده به ایران را در بازه ۵۰ تا ۳۰۰ میلیارد دلار، با محتمل‌ترین رقم حدود ۱۴۴ میلیارد دلار برآورد کرد که شامل ۵۳ میلیارد دلار خسارت مستقیم به بخش نفت و گاز و ۹۱ میلیارد دلار هزینه بازسازی است. این خسارت معادل حدود ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی ایران پیش از جنگ بوده و صادرات ۱.۸ میلیون بشکه‌ای روزانه نفت ایران را عملا از بازار بین‌المللی حذف کرده است.

این تنها ایران نیست که هزینه این ماجراجویی را می‌پردازد، بلکه «تله پولانی» ترامپ، ابعاد جهانی یافته است. صندوق بین‌المللی پول در گزارش آوریل ۲۰۲۶ خود هشدار داد که تداوم جنگ و بسته‌ماندن تنگه هرمز -شاهراهی که نزدیک به یک‌پنجم نفت خام جهان از آن عبور می‌کند- می‌تواند رشد اقتصاد جهانی را به دو درصد کاهش دهد. این رقم عملا به معنای ورود به یک رکود جهانی است. در سناریوی بدبینانه، نرخ تورم جهانی از شش درصد فراتر خواهد رفت که به معنای جهش قیمت مواد غذایی، کود شیمیایی، بنزین و کالاهای اساسی در سراسر جهان است. سازمان تجارت جهانی نیز هشدار داده که تداوم قیمت‌های بالای نفت و گاز مایع می‌تواند ۰.۳ واحد درصد از رشد ۲.۸درصدی تولید ناخالص داخلی جهانی در سال جاری و ۰.۵ واحد درصد از رشد تجارت جهانی بکاهد. صندوق بین‌المللی پول همچنین رشد جهانی در ۲۰۲۶ را ۳.۱ درصد پیش‌بینی کرده است که کاهشی ۰.۳ واحد درصدی نسبت به سال قبل نشان می‌دهد. این ارقام گویای آن است که ماجراجویی ترامپ نه‌تنها ایران، بلکه کل اقتصاد جهانی را تا آستانه یک رکود تورمی پیش برده است. این همان «فرایند» پولانی است که در آن، فشارهای مخرب بازار و سیاست، سیستم را به نقطه واکنش و بازآرایی بنیادین می‌رسانند. حتی مردم آمریکا نیز از این تله در امان نمانده‌اند. براساس برآوردها، هزینه عملیات نظامی آمریکا در این جنگ روزانه حدود دو میلیارد دلار است. تحلیل بلومبرگ نشان می‌دهد که مجموع هزینه‌های جنگ و سیاست‌های تعرفه‌ای ترامپ تا پایان سال ۲۰۲۷ حدود دو تریلیون دلار از تولید ناخالص داخلی جهان خواهد کاست. رشد اقتصادی خود آمریکا برای ۲۰۲۵ از ۲.۱ درصد به ۱.۵ درصد کاهش یافته و هم‌زمان افزایش قیمت سوخت و کالاهای وارداتی ناشی از جنگ و تعرفه‌ها، فشار تورمی را بر خانوارهای آمریکایی وارد کرده است. اینجاست که ماهیت «تله» کاملا آشکار می‌شود: راهبردی که برای «بزرگ‌کردن دوباره آمریکا» و تحمیل اراده آن بر جهان طراحی شده بود، به عاملی برای تضعیف اقتصادی آمریکا، کاهش رشد آن و تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور بر مالیات‌دهندگان آمریکایی بدل شده است.

آنچه در تمام این رفتارها مشترک است، یک استراتژی واحد است: تخریب سیستماتیک «اعتماد» و جایگزینی آن با «اقتصاد سیاسی ترس». ترامپ با بهره‌گیری از «زیان‌گریزی» ذاتی انسان‌ها و «چارچوب‌بندی» گمراه‌کننده، واقعیت پیچیده ژئوپلیتیکی را به روایت‌های ساده «آمریکا علیه شر» تقلیل داد. نتیجه این رویکرد، پیدایش فضایی از «ابهام نایتی» است که در آن، بنگاه‌ها و دولت‌ها دیگر نمی‌توانند میان ریسک محاسبه‌پذیر و نبود قطعیت مطلق تفکیک قائل شوند. این دقیقا همان چیزی است که «اجماع لندن» با تأکید بر تاب‌آوری نهادی و مشروعیت سیاسی به دنبال جلوگیری از آن بود و «رویکرد شانگهای» با الگوی خوداتکایی استراتژیک در برابرش موضع می‌گرفت. ترامپ با این تخریب، ناخواسته به بزرگ‌ترین مروج این پارادایم‌های رقیب بدل شده است؛ چراکه کشورهای جهان برای در امان ماندن از تله او، چاره‌ای جز پناه‌بردن به «خوداتکایی» و «تاب‌آوری» ندارند.

اما در این میان و در دل همین ویرانی و تله‌ای که ترامپ برای خود و جهان ساخته، پتانسیلی نوین در ایران سر برآورده است که می‌تواند از این موقعیت برای بازتعریف جایگاه خود بهره ببرد. ایران در این جنگ نشان داد که دیگر یک بازیگر منفعل در معادلات منطقه‌ای نیست و این توانایی را دارد که در برابر دو ابرقدرت نظامی جهان بایستد. این نمایش قدرت اما نباید به «وحشت همسایگان» بینجامد، بلکه باید با درایت به «جذب» آنان تبدیل شود. حلقه تله پولانی ترامپ، ناخواسته باعث شده که ائتلاف شکننده تحت رهبری او ترک بردارد. یک مقام اسرائیلی به‌صراحت اذعان کرده که «نتیجه برای ما کمتر مطلوب است و شانس عادی‌سازی و ائتلاف‌ها کاهش یافته است. آنها می‌خواهند به ایران و ترکیه نزدیک شوند». انور قرقاش، مشاور ریاست امارات نیز اعلام کرده که کشورش «روابط منطقه‌ای و بین‌المللی خود را با وضوح و دقت بازنگری خواهد کرد و شرکای مورد اعتماد را شناسایی می‌کند». در همین راستا، ایران می‌تواند با گشودن درهای همکاری مشترک، امنیت پایدار در منطقه را به‌عنوان مسئولیتی جمعی با همسایگان خود تعریف کند. تنگه هرمز، این آبراه حیاتی برای اقتصاد جهانی، می‌تواند به نمادی از همکاری‌های برد-برد منطقه‌ای بدل شود و امنیت آن با مشارکت و هماهنگی همه کشورهای ساحلی و بدون نیاز به دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای تأمین شود. چنین رویکردی، مسیر صلح و شکوفایی را از طریق سرمایه‌گذاری‌های مشترک و توسعه پیوندهای اقتصادی هموار می‌کند.

هم‌زمان، پنجره‌ای نیز به سوی اروپا گشوده شده است. اسپانیا، به رهبری پدرو سانچز، در برابر فشار ترامپ برای افزایش هزینه‌های نظامی مقاومت کرده و این خواسته را «ناسازگار با رفاه اجتماعی» خوانده است. اسپانیا به سازوکار مالی اینستکس پیوسته و متعهد به بهبود روابط تجاری دوجانبه با ایران است. افزون بر این، اسپانیا با ۳۵ گیگاوات ظرفیت خورشیدی نصب‌شده، ۳۰ گیگاوات بادی و ۲۰ گیگاوات برق‌آبی، اکنون ۶۵ درصد تقاضای برق خود را از منابع تجدیدپذیر تأمین می‌کند و یک رهبر جهانی در انرژی پاک به شمار می‌رود. این حوزه که تحت تحریم‌های اولیه و ثانویه آمریکا قرار ندارد، می‌تواند زمینه‌ساز بازسازی زیرساخت‌های انرژی ایران پس از جنگ و الگویی برای توسعه پایدار باشد. ایران می‌تواند اسپانیا را به‌عنوان دروازه‌ای برای بازتعریف روابط اقتصادی خود با اروپایی که از تله ترامپ به ستوه آمده، برگزیند و نشان دهد که شریکی قابل اعتماد و عاقل در نظم در حال گذار است.

اکنون، در پساجنگ، ایران باید رویکرد اقتصادی خود را بر مبنای واقعیت‌های نوین بازتنظیم کند. این رویکرد را می‌توان ذیل عنوان «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» صورت‌بندی کرد؛ اقتصادی که تجربه مقاومت در برابر تحریم‌ها و جنگ را به فرصتی برای جهش تبدیل می‌کند. اهمیت این رویکرد تا به آنجاست که رهبر انقلاب نیز شعار سال ۱۴۰۴ را «سرمایه‌گذاری برای تولید، جهش اقتصادی با مشارکت مردم» با تأکید بر «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» اعلام کردند و اقتصاد پساجنگِ ایران نیازمند مسیر رشد مبتنی بر سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، با تکیه بر ظرفیت‌های مردمی و توسعه زیرساخت‌های مولد است. برخلاف تصور رایج، اقتصاد مقاومتی به معنای انزوا و اقتصاد بسته نیست، بلکه به معنای مقاوم‌سازی و تاب‌آورسازی اقتصاد ملی از طریق متنوع‌سازی شرکای تجاری، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و تکیه بر ظرفیت‌های داخلی در عین تعامل سازنده با جهان است.

ایران امروز در موقعیتی قرار دارد که می‌تواند امنیت ملی خود را که با ایستادگی در برابر بزرگ‌ترین قدرت‌های نظامی جهان تثبیت شده، به‌عنوان پیشران و ضمانت‌کننده توسعه اقتصادی به کار گیرد. «امنیت» و «وحدت ملی» که در دوران جنگ به اوج خود رسیدند، اکنون می‌توانند به سرمایه‌ای برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه زیرساخت‌ها و تبدیل ایران به قطب ترانزیت و انرژی منطقه بدل شوند. در این چارچوب، ایران می‌تواند با تکیه بر دوگانه نظری که در مقالات پیشین معرفی کردم، مسیر خود را ترسیم کند: از یک سو، با بهره‌گیری از اصول «اجماع لندن» یعنی شفافیت، حکمرانی خوب و مشروعیت سیاسی، اعتماد شرکای بین‌المللی را جلب کند و از سوی دیگر، با اتکا بر «رویکرد شانگهای» یعنی هدایت اعتبار به بخش‌های مولد، ایجاد سامانه‌های پرداخت مستقل و تقویت خوداتکایی استراتژیک، اقتصاد خود را در برابر شوک‌های بیرونی مصون کند. این رویکرد، به ایران اجازه می‌دهد هم از فرصت‌های هم‌گرایی با کشورهای مستقل اروپایی مانند اسپانیا بهره ببرد و هم با همسایگان خود در قالب یک بلوک منطقه‌ای مبتنی بر منافع متقابل، نظم جدیدی را پایه‌ریزی کند که در آن، امنیت دسته‌جمعی جای خود را به تهدیدهای فرامنطقه‌ای می‌دهد.

جهان اکنون در دل چیزی فراتر از یک لحظه بحرانی قرار گرفته است؛ یک «تله پولانی» تمام‌عیار که در آن، تلاش یک‌جانبه برای حذف قواعد و چندجانبه‌گرایی، به واکنشی زنجیره‌ای دامن زده که خودِ مروج آن را نیز بلعیده است. دونالد ترامپ با به رسمیت شناختن چهره‌هایی مانند الجولانی، تعیین جایزه برای رئیس‌جمهور یک کشور مستقل، جنگ تعرفه‌ها، تحقیر متحدان اروپایی، تشدید محاصره کوبا و مهم‌تر از همه، جنگی تحمیلی که با توسل به ادعاهای نادرست توجیه شد، یک‌تنه نشان داده است نظم مبتنی بر قواعد تنها به اندازه اراده یک فرد در کاخ سفید دوام دارد. اما فرایندی که او آغاز کرد، با منطق «جنبش متقابل» پولانی، به انزوای استراتژیک خود او، افول جایگاه اقتصادی آمریکا و تقویت بلوک‌های رقیب انجامیده است. این همان تله است. درست در همین نقطه، آن‌چنان که در مقالات «پس از اجماع‌ها» و «بازخوانی اجماع لندن و رویکرد شانگهای» استدلال کردم، فرصتی تاریخی برای ایران پدید آمده است. ایران امروز قدرتمندتر از همیشه در برابر دو ابرقدرت نظامی ایستاده و توان خود را به اثبات رسانده است. این قدرت نباید مایه وحشت همسایگان شود، بلکه باید مبنایی برای هم‌گرایی راهبردی با آنان و با اروپای مستقل از واشنگتن باشد. در دنیایی که «پیش‌بینی‌پذیری» و «اعتماد» به ارزشمندترین دارایی‌ها تبدیل شده‌اند، ایران می‌تواند با بازتنظیم راهبرد اقتصادی خود براساس مدل «اقتصاد مقاومتی در سایه امنیت و وحدت ملی»، هم از تنگنای تحریم و جنگ عبور کند و هم خود را به‌عنوان بازیگری قابل اتکا در نظم در حال گذار تثبیت کند. فراسوی اجماع‌ها و فراسوی تله پولانی ترامپ، جهانی در انتظار چنین بازیگرانی است.

جدول ۵۳۰۳ طراح: بیژن گورانی

افقی:
۱- فدراسیون جهانی فوتبال- باران منجمد- نخست‌وزیری ۲- از جاذبه‌های گردشگری جلفا مربوط به دوره صفوی- از جوشاندن دوغ تهیه می‌شود ۳- هزار میلیارد تومان- کامل‌ترین زبان دنیا- دعای مستحبی روز جمعه ۴- واحد وزن تقریبا برابر با ۲۸ گرم- مقابل دروغ- شمشیرزن ۵- خواهر کوچک‌تر خانواده برونته- از یاران امام حسین(ع)- جلورفتن ۶- خداشناس- خباز- تکرار حرفی ۷- دعای شب جمعه- از ظروف پرمصرف آشپزخانه- اجاره‌بها ۸- آلبومی با آواز محمدرضا شجریان و آهنگسازی پرویز مشکاتیان- انرژی- نوعی قایق چوبی ۹- نوعی طلاکوب روی جلد کتاب- اکنون- محلی ۱۰- طاقچه‌بالا- نوعی سنگ قیمتی- به کار بستن قانون ۱۱- از رنگ‌های گرم- تفریق- عامل انتقال صفات ارثی ۱۲- پول خرد گرجستان- سوراخ‌کردن- ایمان قلبی ۱۳- واحد طول روسی- بی‌حرکت- کتاب‌های عربی ۱۴- شدیدترین- رمانی از ویکتور هوگو، نویسنده فرانسوی ۱۵- ده هزار مترمربع- خوشنویس نامی عهد قاجار- تأکیدشده

عمودی:
۱- یکی از محورهای اصلی حمله ارتش عراق به شمال خوزستان بود- پادشاه مقدونی که تخت جمشید را ویران کرد- فاسد ۲- لبه تیز شمشیر- هم‌عقیده‌بودن- تردید ۳- فنی در کشتی- واضح و آشکار- پدر علم تاریخ ۴- سنگ آسیاب- درخت جوان- دوروبی ۵- ناتوانی در پرداخت بدهی به علت فقر- خانه بسیار فقیرانه- مستی ۶- گرم‌ترین سیاره- پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی- امتداد ۷- ایجاد نقش‌های برجسته تزئینی روی سقف و دیوار- سخنان بی‌پایه و اساس- سخن بی‌پرده ۸- خواب خوش- مأیوس- سرزنده و شاداب ۹- گفت‌وگوی خودمانی- نام سابق اصفهان- گلدسته مسجد ۱۰- بخشی از لباس- آحاد- نیاز اول فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ۱۱- بت- دچار شوک شده- جستن ۱۲- رازها- مرکب پیامبر(ص) در شب معراج- خون ۱۳- فعال و پرجنب‌وجوش- از سازهای بادی چوبی در ارکستر سمفونیک- بی‌ریا ۱۴- باران اندک- از شبکه‌های تلویزیونی ما- علم وراثت ۱۵- زیاده‌روی در تشریفات- درک‌کردن- از عناصر چهارگانه

حل سودوکو ۴۲۹۸

۳	۷	۴	۵	۸	۲	۹	۶	۱
۸	۱	۵	۷	۶	۹	۲	۴	۳
۹	۶	۲	۴	۱	۳	۷	۸	۵
۲	۸	۱	۶	۴	۵	۳	۹	۷
۵	۳	۷	۱	۹	۸	۶	۲	۴
۴	۹	۶	۲	۳	۷	۵	۱	۸
۶	۵	۹	۸	۷	۴	۱	۳	۲
۱	۲	۸	۳	۵	۶	۴	۷	۹
۷	۴	۳	۹	۲	۱	۸	۵	۶

۵	۲	۸	۴	۹	۶	۱	۷	۳
۳	۹	۴	۲	۱	۷	۵	۶	۸
۷	۶	۱	۸	۵	۳	۹	۲	۴
۸	۴	۲	۶	۳	۱	۷	۹	۵
۹	۱	۵	۷	۴	۸	۶	۳	۲
۶	۳	۷	۵	۲	۹	۸	۴	۱
۲	۵	۶	۱	۷	۴	۳	۸	۹
۴	۸	۹	۳	۶	۵	۲	۱	۷
۱	۷	۳	۹	۸	۲	۴	۵	۶

حل جدول ۵۳۰۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	م	د	■	ت	پ	ا	ن	چ	ه	■	ه	م	د	ل
۲	ت	و	ا	ن	ا	ی	■	ا	ز	ا	د	ر	ا	ه
۳	ر	ز	■	ا	س	ت	ا	د	ب	ا	ز	ی	■	و	ی
۴	■	ی	ک	ر	ی	ز	■	ش	ه	ر	ت	■	ر	ط	ب
۵	ا	س	ا	ن	■	ا	ب	و	ا	■	ک	ف	ا	ل	■
۶	م	ت	ر	ج	م	■	ل	ا	ر	ی	■	ص	ح	ب	ت
۷	و	ا	ی	■	و	ق	ا	ر	■	ت	ع	ل	ل	■	ن
۸	ز	ن	■	ه	ر	ش	ل	■	ط	ی	ن	ت	■	ا	د
۹	ش	■	ک	ل	خ	ن	■	ق	ا	م	ت	■	ا	ب	ب
۱۰	ی	ح	ی	ی	■	گ	ب	ر	ی	■	ر	ا	س	ت	ا
۱۱	■	ر	ا	س	ن	■	و	ق	ف	ه	■	س	ا	ع	د
۱۱	ق	م	ه	■	ی	ا	س	ر	■	م	ر	ا	س	م	■
۱۱	م	س	■	ا	ک	و	ت	و	ر	ی	س	م	■	ر	خ
۱۱	ا	ر	ی	ز	و	ن	ا	■	و	ا	ت	ی	ک	ا	ن
۱۴	ش	ا	ت	ا	ل	■	د	ن	ا	د	ن	ه	■	ش	ن	گ

سودوکو سخت ۴۲۹۹

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

					۲			۳
۳	۱		۵			۶	۴	
۵			۷				۸	
		۷						۸
		۹	۳		۵	۴		
۴						۵		
	۴				۷			۵
	۷	۳			۶		۲	۹
۲			۱					

سودوکو ساده ۴۲۹۹

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو
سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

		۴	۲	۳				
۷	۵			۸				۴
۲		۱			۷		۶	
	۶		۹				۴	۵
	۲						۸	
۹	۴				۵		۱	
	۱		۳			۸		۷
۳				۵			۲	۶
				۷	۲	۱		